

The Role of ‘Abd al-Mu’min ibn ‘Ali in the Political, Economic, and Cultural Transformations of the Almohad State

(A.H. 524–558 / A.D. 1130–1163)

Mohammad Hasan Behnamfar ¹

1.Esfarayan university of Technology, Iran. E-mail: behnamfarb@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 2023-06-01 Revised: 2023-10-05 Accepted: 2023-10-22 Available online 14 April 2025 Keywords: Muhammad ibn Tumart, ‘Abd al-Mu’min ibn ‘Ali, Almohad State, Maghreb, Transformation	The Almohad movement, as one of the most influential political and religious movements of the sixth century AH in the Maghreb, was established through the efforts of Muhammad ibn Tumart and the promotion of new ideological principles, and it soon gained authority with the support of various tribes in the Maghreb and Al-Andalus. This study focuses on the continuity and consolidation of the political system after Ibn Tumart, particularly during the reign of ‘Abd al-Mu’min ibn ‘Ali. This period not only involved the establishment of a political system but also witnessed initiatives in civilizational domains, transforming the Almohad movement into a powerful governing authority. Employing an analytical approach and emphasizing historical sources, the research seeks to answer the question: What transformations did the Almohad movement undergo after Ibn Tumart, and how did it evolve into a political and civilizational system? The findings suggest that ‘Abd al-Mu’min ibn ‘Ali successfully preserved Ibn Tumart’s ideological legacy while implementing political, administrative, and civilizational reforms, resulting in the transformation of the initial movement into a powerful state and marking the period of Almohad prosperity. This research examines the conditions of the Almohads after Ibn Tumart, and discusses the continuation of the Almohad movement and its transformation into a state power.

Cite this article: Behnamfar, Mohammad Hasan (2025). The Role of ‘Abd al-Mu’min ibn ‘Ali in the Political, Economic, and Cultural Transformations of the Almohad State (A.H. 524–558 / A.D. 1130–1163). *Historical Studies of the Islamic World* . 33 (1), 150-170. <https://doi.org/10.22034/mte.2022.11637.1521>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

<https://doi.org/10.22034/mte.2025.19185.1837>

نقش عبدالمومن بن علی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت موحدون (۵۲۴-۵۵۸ هـ / ۱۱۳۰-۱۱۶۳ م)

محمدحسن بهنام فر✉

۱. عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی اسفراین، ایران. رایانامه: behnamfab@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی - پژوهشی	نهضت موحدون به عنوان یکی از تاثیرگذارترین حرکت‌های سیاسی و دینی قرن ششم در مغرب اسلامی موفق گشت با تلاش‌های محمدبن تومرت و با تاکید بر اندیشه ای جدید، موجودیت یافته و طولی نکشید که با همراهی قبایل مختلف در مغرب و اندلس حاکمیت یابد. براین اساس آنچه از منظر این پژوهش مهم به نظر می رسد، تداوم و استقرار نظام سیاسی پس از ابن تومرت است که در دوره عبدالمومن بن علی رقم خورد. دوره ای که علاوه بر ساخت نظام سیاسی، در حوزه های تمدنی نیز اقداماتی صورت گرفت و منجر به دگردیسی نهضت موحدون به حکومتی مقتدر گشت. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و با تاکید منابع به دنبال پاسخ به این پرسش است که: نهضت موحدون پس از ابن تومرت چه تحولاتی از سر گذراند و چگونه تبدیل به نظام سیاسی و تمدنی گشت؟ چنین به نظر می رسد که عبدالمومن بن علی موفق شد هم اندیشه تومرتی را تداوم بخشد و هم در ساختار سیاسی، تحولات اداری و ساختارهای تمدنی موحدون نوعی دگردیسی ایجاد کند که نهضت ابتدایی تبدیل به دولتی مقتدر گردد و دوران شکوفایی موحدون رقم بخورد. در این پژوهش با واکاوی شرایط موحدون پس از ابن تومرت، به تداوم نهضت موحدی و دگردیسی به دولتی مقتدر پرداخته می شود.
کلیدواژه‌ها: محمدبن تومرت، عبدالمومن بن علی، دولت موحدون، مغرب اسلامی، تحول.	

استناد: بهنام فر، محمدحسن؛ (۱۴۰۴) نقش عبدالمومن بن علی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت موحدون (۵۲۴-۵۵۸ هـ / ۱۱۳۰-۱۱۶۳ م)، مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۳۳ (۱)، ۱۷۰-۱۵۰. <https://doi.org/10.22034/mte.2022.11637.1521>

© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه:

جهان اسلام در قرن‌های پنجم و ششم هجری دچار تلاطم و تحولاتی گشت که می‌توان به ضعف خلافت عباسی، ستیز و درگیری دولتهای تابع خلافت در شرق، کش و قوسهای مسلمانان با مسیحیان در دریای مدیترانه و جنگهای صلیبی اشاره کرد. در این میان غرب جهان اسلام شاهد قدرتگیری بربرها و شکل دادن دولتهای مرابطون (۴۳۱-۵۴۲ هـ/ ۱۰۴۰-۱۱۴۷ م) و موحدون (۵۱۵-۶۶۷ هـ/ ۱۱۲۲-۱۲۶۹ م) بود. اگرچه مرابطون با رهبریت ابن یاسین تا آن سوی دریای مدیترانه و شبه جزیره ایبری گسترش یافتند، اما نابسامانی‌های سیاسی و فقدان ساختار سازمانی باعث اضمحلال و ضعف آنها گشت. ایجاد خلاء سیاسی منجر به شکل‌گیری جنبش‌های دینی و سیاسی دیگری در دولت مرابطون گشته و در این میان محمد بن تومرت سر برآورد. او پس از تلاشهای فراوان به همراه عبدالمومن بن علی موفق شد، جنبش موحدون را شکل داده و اندیشه‌ای جدید در مغرب اسلامی پایه ریزی کند. ابن تومرت از آنجا که بیشترین تمرکز خود را به ساماندن جنبش موحدون و تقابل با مرابطون صرف کرد، فرصت زیادی جهت نهادینه کردن اندیشه‌های خود پیدا نکرد و در ابتدای نهضت موحدون شرایط را برای یار و همراه خود، عبدالمومن به جا گذاشت و از دنیا رفت (۵۲۴ هـ/ ۱۱۳۰ م). بدون شک استقرار و تداوم این نهضت پس از ابن تومرت مسئله بسیار مهمی است که عبدالمومن بن علی با آن مواجه گشت و نهضت موحدون را به دولتی مقتدر بدل ساخت.

پژوهش حاضر با تاکید بر نقش‌آفرینی عبدالمومن در ایجاد ساختار تمدنی موحدون، به ارائه اقدامات و تلاش‌های او در جهت تداوم نهضت موحدون و بدل به دولتی مقتدر می‌پردازد. به بیان دیگر مسئله اصلی آن است که نهضت موحدون در دوره عبدالمومن بن علی با توجه به تداوم اندیشه تومرتی و استقرار نظام سیاسی برمبنای گفتمان فکری جنبش، چه تحولاتی از سرگذراند؟ چنین به نظر می‌سد که جنبش موحدون پس از ابن تومرت نه تنها دچار رکود نشد، بلکه با تلاش‌ها و برنامه‌های عبدالمومن بن علی موفق گشت هم اندیشه تومرتی را تداوم بخشد و هم در ساختار حکومتی موحدون نوعی دگردیسی ایجاد کند که نهضت ابتدایی تبدیل به نظام سیاسی و تشکیلات تمدنی گردد. براین اساس آغاز دوران شکوفایی و ساخت دولت موحدون رقم خورد. تحقیق در دوره موحدون مشکلات خاص خود از منظر دستیابی به منابع دارد، با این وجود پرداختن به آن دریچه‌های جدیدی می‌گشاید. عموم تحقیقاتی که به موضوع موحدون پرداخته اند، در حوزه اندیشه و نگاه‌های فکری ابن تومرت متمرکز شده‌اند. مباحث مربوط به ادعای مهدویت ابن تومرت، شالوده فکری و فقهی و همچنین تاکید بر مفاهیمی چون توحید، عصمت و امر به معروف از جمله این پژوهش‌ها است. اما نکته‌ای که از منظر این تحقیق به آن پرداخته می‌شود و به نظر می‌آید که مهم است، تحولات موحدون بعد از ابن تومرت در

دوره عبدالمومن بن علی می‌باشد. مسئله‌ای که در پژوهشهای فارسی مغفول مانده و در تحقیقات خارجی نیز کمتر به آن پرداخته شده است. در موضوع تشکیلات و سازمانهای موحدی معروفترین تحقیقی که به فارسی هم ترجمه شده است: «دولت موحدون در غرب جهان اسلام؛ تشکیلات و سازمان‌ها» اثر عزالدین عمرموسی می‌باشد. این کتاب درباره تشکیلات سیاسی و نظام حکومتی موحدون است که در دوران تاسیس، شکوفایی و فروپاشی تحلیل می‌شود. بخشی از دوره شکوفایی اشاره به اقدامات عبدالمومن داشته است (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۱۹۵-۲۶۲). حسین مونس در جلد دوم اثر خود «تاریخ و تمدن مغرب» که توسط حمیدرضا شیخی ترجمه شده، با پرداختن به دوره موحدون و سیرتاریخی آن، اقدامات و خدمات عبدالمومن را در تثبیت دولت موحدون بررسی کرده است (مونس، ۱۳۸۴: ۲۸۷-۴۳۹). عبدالله ناصری در کتاب «مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی» نیز در بیان دولت موحدان تنها به ذکر خلاصه‌ای از دولت موحدون بسنده کرده و مطالب مربوط به عبدالمومن را نیز در خلال آن آورده است (ناصری طاهری، ۱۳۸۵: ص ۸۴-۸۵). محمدرضا شهیدی پاک در کتاب «تاریخ تحلیلی مغرب» با تکیه بر منابع اصلی بخشی به موحدون اختصاص داده و اقدامات عبدالمومن را در اقتدار این دولت ذکر کرده است (شهیدی پاک، ۱۳۸۹: ۳۷۵-۴۴۶). صالح بن قریه، کتاب ارزشمندی در خصوص اقدامات عبدالمومن در تثبیت قدرت موحدون دارد به نام «عبدالمومن بن علی موحد بلاد المغرب» که در این پژوهش استفاده شده است. حسن علی حسن در کتاب «الحضاره الاسلامیه فی المغرب و الاندلس فی عصر المرابطین و الموحدین» اطلاعات خوبی از مبانی تمدن و سازمانهای اداری و دیوانی در مغرب و اندلس دارد. عبدالله علام نیز در کتاب «الدوله الموحديه بالمغرب فی عهد عبدالمومن بن علی» روند قدرتگیری عبدالمومن و استقرار دولت موحدون در مغرب و اندلس را بررسی کرده است. مقاله‌ای با عنوان «الفکر السیاسی عندالموحدین فی عصر عبدالمومن بن علی» توسط محمود صادق شاکر نیز به چالش‌های عبدالمومن و اقدامات او در دولت موحدون پرداخته است. از محققان فعال در حوزه موحدون می‌توان به ماریبل فیرو اشاره کرد که اخیرا کتابی در دست چاپ دارد به نام «Abd al-Mu'min: Mahdism and Caliphate in the Islamic West» که احتمالا مطالب مفیدی در این موضوع داشته باشد هرچند در دسترس نبود. ایشان کتاب ارزشمندی در خصوص موحدون دارد که بیشتر بر جنبه اندیشه ابن تومرت تاکید داشته است.^۱

^۱ . Fierro, Maribel, «The Almohad Revolution, Politics and Religion in the Islamic West during the Twelfth-Thirteenth Centuries, CSIC, Spain, June 2012.

۱. عبدالمومن از ملاله تا مراکش

الف) دیدار با ابن تومرت

عبدالمومن بن علی کومی منتسب به قبیله کومیه^۱ یکی از شاخه های زناته^۲ بود (ابن خلکان، بی تا: ۳/ ۲۴۰) که نزدیک تلمسان سکونت داشتند. او در این منطقه در روستایی به نام تاجرا^۳ به دنیا آمد. در خصوص تاریخ دقیق تولد او اطلاعاتی در دست نیست. علی رغم اینکه او در میان بربرها رشد کرد اما برخی نسب او را از عباسیان و قریشی دانسته اند (Fierro, 2003: 86) عبدالمومن از دوران جوانی علاقمند به کسب علم و دانش شد. ارتباط بربرها با دانشمندان اندلس، بغداد، قاهره و دمشق، از قبل وجود داشت و آنها چیزهای زیادی آموخته بودند. شرق در هر دوره و زمانی مغربی ها را که دلبسته و علاقمند به فرهنگ هستند، به خود جذب کرده است (Bourabia, 1974: 19) در این دوران، در منطقه اندلس و شهرهای شرقی مغرب شاهد گسترش علوم دینی و فقه در مدارس هستیم. عبدالمومن همراه عمویش تصمیم گرفت به شرق سفر کرده و در جستجوی دانش باشد. در میانه راه اتفاقی افتاد که سرنوشت او را تغییر داد و آن هم دیدار با ابن تومرت در منطقه «ملاله» است (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). داستان زندگی ابن تومرت نیز با شرق و سفر به مدارس بغداد پیوند خورده است. ابن تومرت سفر خود را ابتدا به اندلس و سپس به شرق در آغاز قرن ششم هجری آغاز کرد (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۴؛ ابن ابی زرع: ۱۹۹۹: ۱۱۱؛ ابن اثیر، ۱۹۶۷: ۱۰/ ۵۷۰؛ ابن خلدون، ۱۹۵۶: ۶/ ۴۶۶؛ مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۲۵) این احتمال وجود دارد که ابن تومرت در اندلس، با نوشته و اندیشه های «ابن حزم»^۴ آشنا شده (Julien,

^۱. Kūmiya

^۲. Zanāta

^۳. Tāğrā

^۴. ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید (۳۸۴-۴۵۶ ق/۹۹۴-۱۰۶۴ م)، فقیه، محدث، فیلسوف، عالم ادیان و مذاهب، ادیب و شاعر و یکی از درخشان ترین چهره های فرهنگ اسلامی اندلس است.

۹۴ (۱۹۷۰) و در بغداد نیز با علمایی چون، طرطوشی^۱، کیهراسی^۲، ابوبکر چاچی^۳، مبارک بن عبدالجبار^۴ از متکلمین و محدثین بغداد ملاقات کرد (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۲۶) این امر بیانگر آن است که وی به این اندیشه‌ها اهمیت داده و پشتیبانی از این اندیشه‌ها را به آشکار نشان می‌داد (Brocklmann, 1947: 207) سفر به شرق و دیدار با علمای بغداد برای ابن‌تومرت رهیافتهای بسیاری داشت. او دیده‌ها و شنیده‌های مدام خود در شرق را با آنچه که در مغرب وجود داشت، مقایسه و مقابله کرد (Tourneau, 1969: G) ابن‌تومرت پس از بازگشت (بیزق، ۱۹۸۰: ۱۱) با تاکید بر توحید، هم جنبش فکری خود را موجودیت داد و هم مبارزه با مرابطون را مشروعیت بخشید (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۸۴؛ عمرموسی، ۱۳۸۱: ۴۰). مفهوم امر به معروف و نهی از منکر نیز دستور دیگری بود که ابن‌تومرت با آن، قبایل ناراضی بربر را به جنبش خود ترغیب نمود (بهنام فر، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۴۷). او حرکت خود را در شهرهای مغرب و از مهدیه شروع کرد، در این زمان بخشی از مغرب در اختیار مرابطون و مغرب میانی در دست «بنی‌حماد» بود (Le Tourneau, 1977: 219-221) ابن‌تومرت به اصرار بنی‌حماد، مهدیه را ترک کرد و در روستای «ملاله» مستقر شد (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). این مرحله یکی از مراحل اصلی جنبش موحدون به حساب می‌آید که با همراهی هسته اصلی نهضت، شالوده‌های فکری و ساختار اساسی جنبش پی‌ریزی گشت. ابن‌تومرت و همراهانش در این منطقه تصمیم گرفتند که جنبش دینی خود را سامان دهند. او نظریاتش را گسترش داده، وظایف و تکالیف نمایندگان خود را مشخص و توجیه نمود (Julien, 1970: 96). دوره نخست نهضت موحدون که استقرار در «ملاله» را شامل گشت، نقطه عطفی در تاریخ موحدون به حساب می‌آید، ابتدا در آنجا شخصیت‌های اصلی جنبش؛ عبدالمومن و ابن‌تومرت دیدار کردند و همچنین فرصتی پیش آمد تا آنها با همراهی یاران وفادار و هسته فکری خود، چهارچوب‌های نهضت را به کنش سیاسی سوق دهند. مورخان و صاحب‌نظران در خصوص این دیدار تاکید بسیاری داشته (Tourneau, 1969: 16-18) و حتی از آن به عنوان «معجزه» یاد کرده‌اند (Fromherz: 2010: 46) ابن‌تومرت در میان اصحاب خود جلساتی گذاشت و

۱. ابوبکر محمد بن ولید بن خلف (۴۵۱-۵۲۰ق) معروف به ابی‌بکر طرطوشی یا ابی رندقه، فقیه مالکی، از علمای قرن پنجم هجری، بود که از معروفترین آثار او می‌توان به سراج الملوک فی سلوک الملوک اشاره کرد.

۲. عمادالدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی طبری (۴۵۰-۵۰۴ق) معروف به کیهراسی، از مفسران و فقیهان شافعی، با امام محمد غزالی همدرس و از شاگردان امام الحرمین، عطا ملک جوینی بود که نزد او دانش آموخت تا آنکه خود به مقام استادی نایل آمد. مدتی در نیشابور زیست و به تدریس مشغول بود، در بیهق نیز تدریس می‌نمود، آنگاه به بغداد رفت و در نظامیه بغداد به تدریس مشغول شد. از بهترین شاگردان امام الحرمین بود و او را غزالی ثانی می‌گفتند.

۳. ابوبکر احمد آدمی چاچی، فقیه و محدث قرن پنجم که به روایت حدیث اشتغال داشت.

۴. المبارک بن عبد الجبار الصیرفی، المعروف به ابن الطیوری (۴۰۱-۵۰۰ق).

مبانی عقیدتی خود را در کتاب «اعز ما یطلب»^۱ و دیگر آثار خویش ارائه داد. «اعز ما یطلب» فهرستی از دلایلی است که چرایی ضرورت مجازات مرابطون بدلیل گناهانشان در مقابل اسلام راستین را نشان می‌دهد. ابن‌تومرت همراهی با مرابطون و دوستی با آنان را حرام کرد (ابن‌تومرت، ۱۹۹۷: ۲۶۲) او با ادعای مهدویت و تشکیل جنبش موحدون تحرکاتی علیه مرابطون انجام داد. قرائن تاریخی نشان می‌دهد که مهدویت ابن‌تومرت به شکل معجزه‌آسایی در پیشرفت دعوت او مؤثر بود (بروفنسال، بی تا، ۲۷۱) ابن‌تومرت فرصت چندانی پیدا نکرد و قبل از اینکه شاهد اضمحلال مرابطون باشد، دچار بیماری شد، جنبش را برای عبدالمومن ترک کرد و از دنیا رفت (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

ب) تداوم نهضت پس از ابن‌تومرت

شرایط برای امیر عبدالمومن پس از مهدی بسیار سخت و پیچیده بود؛ نهضت نوپای موحدون، رهبر دینی و فکری خود را از دست داده بود، کسی که با ادعای مهدویت، اندیشه‌های جدیدی در جامعه بربر مطرح کرده و اینک امیر عبدالمومن می‌بایست همان مسیر را ادامه دهد. در رمضان ۵۲۴هـ / ۱۱۳۰م با حمایت «اهل-جماعت»^۲ که مشاوران ابن‌تومرت هم بودند، و با تایید «اهل‌خمسین»^۳ و برای جلوگیری از تفرقه و نفاق، با عبدالمومن بیعت کردند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۳۸؛ ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۸۴) تداوم نهضت موحدون پس از ابن‌تومرت و پذیرش عبدالمومن به عنوان خلیفه موحدی توسط قبایل جنبش، مهمترین مسئله به شمار می‌رفت. زیرا او از زنانی‌ها بود و پذیرش وی برای مسمودیان سخت به نظر می‌رسید (ناصری، ۱۹۵۴: ۱۹۵ / ۲). عبدالمومن فردی زیرک و باهوش بود و به خوبی شرایط پس از ابن‌تومرت مهدی را درک می‌کرد. از درگذشت ابن‌تومرت و بیعت اولیه با عبدالمومن (۵۲۴هـ / ۱۱۳۰م) تا اقدام علیه مرابطون (۵۳۳هـ / ۱۱۳۹م) فرصت داشت تا بتواند، دل‌های مردم را یکپارچه سازد، اعتماد و اطمینان را به آنان بازگرداند و قدرت خود را در میان مسمودیان تثبیت کند. منابع اخبار زیادی برای این نه (۹) سال ندارند و بیشتر اشاره به دیدارهای عبدالمومن با قبایل جنبش، رایزنی‌ها و مراودات سیاسی درون سازمانی داشته‌اند. مهمترین مسئله در این مرحله تقابل با مرابطون بود که با این امر بتواند خود را به عنوان جانشین ابن‌تومرت به اثبات برساند. درگذشت مهدی و روحیه ضعیف موحدون،

۱. از این کتاب چندین چاپ و ویرایش وجود دارد، به نظر می‌رسد بهترین آن مربوط به عبدالغنی ابوالعزم است. ابن‌تومرت، محمد بن عبدالله، اعز ما یطلب، تقدیم و تحقیق: عبدالغنی ابوالعزم، رباط: موسسه الغنی للنشر، ۱۹۹۷م.

۲. این تشکل که در روایت‌ها «عشره» هم آورده شده در واقع به منزله وزرای مهدی بودند که مورد اطمینان و مشورت او در کارهای مهم بودند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۵۷۶ / ۱۰).

۳. اهل‌خمسین شامل شورای مشورتی موحدون بودند که بیشتر از قبایل مسموده تشکیل و به طور همیشگی گرد هم آمده و در خصوص مسائل تصمیم‌گیری می‌کردند (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۷۵).

موقعیت جنبش را در مرحله ایستایی قرار داده بود. عبدالمومن با شخصیت نیرومند و هوش خارق العاده خود، موفق شد جنبش موحدون را به حرکت سیاسی-دینی بزرگی تبدیل کند. موحدون تحت رهبری امیر عبدالمومن در سال ۵۳۳ق/ ۱۱۳۹م آماده نبرد با مرابطون شدند. موحدون حملاتشان را در خارج از منطقه سوس^۱ آغاز کرده و در درعه^۲ و زناته با مرابطون در جنگهای سختی وارد نبرد شدند (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۲۲۵-۲۲۶؛ حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۸۸) این پیروزی برای امیر موحدی بسیار مهم و ارزشمند بود، هم اینکه روحیه بربرها را بالا برد و هم اینکه نقشه راهبردی نهضت موحدون را برای تبدیل شدن به نظام سیاسی ترسیم می کرد. امیر عبدالمومن پس از این تمام تمرکز خود را برای فتح مراکش و برچیدن سلطه مرابطون گذاشت و در این مسیر جنگهای متعددی با مرابطون داشت که در بیشتر آنها پیروز بود. عبدالمومن در سال ۵۳۴ق/ ۱۱۴۰م برنامه منظم و حملات پی در پی خود برای تسلط بر مراکش پی ریزی کرد. پس از جنگ و گریزهای متعدد، مرابطون به فرماندهی تاشفین بن علی به تقابل با موحدون پرداختند و علی رغم بسیج نیروهای متعدد از جمله سپاهیان سجلماسه^۳، بجایه^۴ و اندلس شکست خوردند (۵۳۹ق/ ۱۱۴۵م) (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۰/ ۵۸۰؛ ابن خطیب، ۱۹۷۷: ۱/ ۴۶۲) با این وجود نیروهای مرابطی تحت فرماندهی رومیان و رابرتیر^۵ استقامت کردند اما موحدون با قدرت مضاعف وهران^۶ را تصرف کرده و پس از آن شهرهای مرابطون یکی پس از دیگری سقوط کردند و شهرهای تلمسان، سجلماسه، فاس، سلا، سبتة، اغمات، طنجه و سرانجام مراکش به دست موحدون افتاد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۰/ ۵۸۱؛ حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۱۲؛ مونس، ۱۳۸۴: ۲/ ۳۱۶؛ سالم، ۱۹۹۹: ۶۹۶-۷۰۱) در این مرحله قبایل متعددی از امیرعبدالمومن حمایت کردند اگرچه شورشهایی نیز دیده می شود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۰/ ۵۸۶) که موحدون آنها را سرکوب و شرایط در مغرب تحت حاکمیت آنها قرار گرفت. عبدالمومن توانایی آن را داشت که با اتحاد قبایل مختلف مراکش را فتح کند، شهری که دروازه تجارت طلایی صحرا و بزرگترین مرکز بازرگانی در شمال افریقا به حساب می آمد (Fromherz: 2010: 2) بدین ترتیب دولت موحدون با هدایت امیرعبدالمومن و تسلط بر مغرب، از مرحله نهضت به نظام در آمد. با شکست مرابطون در مغرب و از دست دادن مراکش، آنها راهی نداشتند که به اندلس عقب نشینی کنند. مسیحیان در این زمان قدرت گرفته و در نقاط

^۱ .Souss

^۲ .Dra or Drâa, (Darha or Dara)

^۳ . Sijilmasa

^۴ . Béjaïa

^۵ . Robertyer

^۶ . Oran

مختلف اندلس علیه مرابطون به پاخواستند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۵) در نتیجه، اربلیه، شنترین، باجه، مارده، اسبونه، مریه، بیاسه، جیان، طرطوشه، و دژهای لارده از تصرف مرابطون خارج شد (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۰۹) تنها شهرهای غرناطه و اشبیلیه از مرابطون اطاعت می کردند. عبدالمومن بعد از فتح تلسمان و فاس لشکر بدران بن محمد مسوفی و دو لشکر به فرماندهی موسی بن سعید و عمر بن صلح صنهاجی را به اندلس فرستاد (مونس، ۱۳۸۴: ۲/۳۲۲) آنها بخشهایی را تصرف کرده قدرت موحدون را در اندلس گسترش دادند. پیروزی های عبدالمومن باعث شد، شخصیت های اندلس به موحدون امید بسته و در رفتن به سوی آنان به رقابت پرداختند (سالم، ۱۹۹۹: ۷۰۳؛ آیتی، ۱۳۷۶: ۱۶۸) عبدالمومن چون مغرب را به حاکمیت خود در آورد و مخالفان را سرکوب کرد، اینک فرصتی بود که به اندلس به عنوان آخرین پایگاه مرابطون و مرکزی استراتژیک برای نظام موحدون متمرکز شود (ناصری طاهری، ۱۳۸۸: ۱۶۳) در سال ۵۴۱ق/۱۱۴۷م اشبیلیه با عبدالمومن بیعت کرد و این امر برای تسلط او در اندلس بسیار مهم بود. عبدالمومن سپس موفق شد قرطبه، جیان و قرمونه را تسخیر کند. غرناطه شهر مهم دیگر اندلس در ۵۵۲ق/۱۱۵۷م تسلیم شد و قدرت مرابطون در اندلس به پایان رسید (ابن خطیب، ۱۹۷۷: ۱/۱۷۳) عبدالمومن همزمان که در اندلس موقعیت موحدون را تثبیت می کرد، از شرایط افریقه نیز فارغ نشد که مورد حمله قرار نگیرد (سالم، ۱۹۹۹: ۷۰۶). بدین منظور ابومحمد میمون بن علی بن حمدون را به افریقه فرستاد تا با صقلیان و اعراب هلالی^۱ تقابل کند. عبدالمومن که اندلس را به حاکمیت خود در آورد، در سال ۵۵۵ق/۱۱۶۰م تونس، مهدیه، بلاد الجرید و طرابلس را فتح کرد (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۲۹-۱۲۸) موحدون با تلاش های ابن تومرت و رشادتها و تصمیمات سیاسی عبدالمومن، موفق شدند یکی از موثرترین دولتهای بربر در تاریخ مغرب پایه گذاری کرده که، نه تنها در سواحل مغرب و مدیترانه بلکه بر جنوب اسپانیا تسلط پیدا کنند. عبدالمومن نابغه ای چندوجهی بود و علاقه زیادی به علم و دانشمندان داشت، همچنین به پیشرفت و نوآوری، ساماندهی نقشه ها و ابتکارات در سلاح های جنگی بسیار اهتمام می ورزید. در قدرت درک و فهم او همان بس که در کنار ابن تومرت علوم دینی را فراگرفت و در علم اصول مهارت فراوان یافت و در بحث و جدل مسلط شد (غنائی، ۲۰۰۸: ۲۸۶)

۲. دگرذیسی نظام حکومتی موحدون

الف) لغو شورای قبایل و استقرار نظام موروثی

اگر دوره موحدون را به دو دوره نهضت و نظام تقسیم کنیم، بدون شک، پایه گذار نظام سیاسی موحدون

^۱. بطون بنی هلال از جمله اعراب عدنانی بودند که در پی منازعات سیاسی در جریان جنبش قرامطه، از اطراف مکه به مصر تبعید شدند و خلیفه فاطمی آنها را به افریقه کوچاند (ابن خلدون، ۱۹۵۶: ۶/۲۱-۱۷)

عبدالمومن بن علی بود و با اقدامات او، عصر نوین موحدی رقم خورد. دوره نهضت که از ملاله و هسته اولیه جنبش موحدون شکل گرفت، شامل تلاشهای ابن تومرت برای ساماندهی جنبش، ادعای مهدویت، مبارزه با مرابطون و همراهی قبایل مختلف بربر محسوب گشت که تا روی کار آمدن عبدالمومن ادامه یافت. جنبش موحدون پس از ابن تومرت همانند نهالی نوپا ضرورت داشت که تبدیل به درختی تنومند شود و این دگرذیسی ساختار جنبش موحدون به نظام حکومتی، بزرگترین و مهمترین اقدامی است که عبدالمومن موفق به انجام آن شد. پس از مهدی ابن تومرت، عبدالمومن با تداوم حیات سیاسی و جنگ با مرابطون، موحدون را به مرحله تثبیت رساند و در این مرحله که تشکیل حکومت به مثابه یک نظام سیاسی بود، شاهد دگرگونی و تغییر در ساختار سازمانی و مسئولیتهای نهادهای آن هستیم. اگرچه تشکیلات گروهی و شوراهای قبایل از همان روزهای نخستین جنبش موحدون موجودیت یافت، اما به تدریج آنقدر گسترده شد که منابع نیز در عناوین و کارکرد آنها اختلاف نظر دارند (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۶۰-۱۰۲) با این وجود شاخصه اصلی دوره ابن تومرت، وجود شوراهای قبایل و گروههای مشورتی است؛ ابن تومرت نیز تاکید بسیاری به قبایل و استمداد از سنتهای قبیله ای داشت. از نظر اجتماعی، ساختار دولت موحدون براساس قبیله استوار بود. هفت قبیله مضمودی که با مهدی بن تومرت بیعت کرده بودند، در رأس نظام اجتماعی قرار گرفتند: (Pascal Buresi and Hicham El Aallaoui, 2012) (30-36) در رأس این قبایل صاحب نفوذ، اصحاب دهگانه یا جماعت عشره بودند که مشاوران حاکم به شمار می رفتند (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۳۰). سپس اصحاب خمسين (الحلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۰۸-۱۰۹) و در پی آنان به قول برخی تاریخ نگاران، اصحاب سبعین قرار داشتند (همان: ۱۰۹). این گروهها هیئتهای عالی مشورتی برای حاکم به شمار می آمدند (ناصری طاهری، ۱۳۷۷: ۸۷). چالش اصلی عبدالمومن، وجود این گروههای اجتماعی بود که از قبایل متنفذ مضمودی بودند و بحرانی که احتمالاً برای جانشینی او پیش آوردند. عبدالمومن به صورت یک فرد بیگانه در جامعه ای که در آن حکومت می کرد، به سر می برد و این غربت و بیگانگی بود که او را برآن داشت تا در اتخاذ و اجرای تصمیمات جدیدش با احتیاط اقدام کند. عبدالمومن در ذهن تحول نظام سیاسی موحدون را می پروراند و بخشی از آن به استقرار نظام وراثتی بر می گشت. عبدالمومن که اوضاع را در دست گرفت در اندیشه محدود کردن این گروهها افتاد. در ظاهر، اعلام کرد جهت دستیابی به عدالت تحولاتی روی خواهد داد، اما در واقع هدف محدود کردن قدرت گروههای ایجاد شده توسط مهدی بود (علام، ۲۰۰۷: ۲۵۷-۲۵۹) عبدالمؤمن طبقات را ملغی و موحدون را در سه طبقه بزرگ قرار داد: (عنان، ۱۳۶۶: ۳/ ۴۱۱؛ عمرموسی، ۱۳۸۱: ۹۹)

۱) السابقون الاولون که با مهدی بیعت کرده و در جنگها شرکت جسته بودند. ۲) آنان که تا سال ۵۳۹هـ/ ۱۱۴۴م زمان فتح وهران به موحدون پیوسته بودند. ۳) آنان که بعد از فتح وهران به موحدون پیوستند. (بروفنسال، ۱۹۴۱: ۵۴) این حالت با حفظ شخصیت معنوی و مذهبی خود ادامه یافت تا اینکه خلیفه،

اقتدار و نفوذ خود را در میان سایر قبایل و فرقه‌ها گسترش داد. او به دنبال ایجاد نظامی بود با تعیین ولیعهد بعد از خود که آنهم از فرزندان خلیفه صورت گیرد. این نشان دهنده یک گام بزرگ در نظام سیاسی موحدون بود و نکته‌ای که آن را تقویت کرد؛ با گسترش ایالت، عناصر زیادی از قبایل غیر مسمودی وارد دعوت موحدون شدند و مفهوم قبیله تحت الشعاع قرار گرفت و باید از نظام به عنوان یک مفهوم سیاسی استفاده کرد. نکته بعدی در استقرار نظام سیاسی به آینده‌نگری عبدالمومن اشاره دارد، تغییر مفهوم قبیله به نظام سیاسی و تحولات دستگاه خلافت با حضور شوراهای قبایل به راحتی صورت نگرفت و عبدالمومن با تدبیری هوشمندانه از شوراهای قبایل در امورات جانشینان خود استفاده کرد (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۱۳۲) این همان چیزی است که او را برای رسیدن به اهداف خود آنطور که می‌خواهد، کمک کرده است. شیوخ موحدی که اصحاب مهدی بودند نه به راحتی حذف می‌شدند و نه جایگزین لذا در مرحله اول آنها را از تشکیلات خلافت و پایتخت موحدون دور نگه داشته و در امارت مملکت به کار گرفت (عنان، ۱۳۶۶: ۴/۴۹۲) بعضی از شیوخ موحدی مسئولیتهای اجرایی کلیدی برعهده گرفتند؛ به طوری که برخی از آنان مانند فرزندان عمر هنتانی و فرزندان ابن جامع پست وزارت و برخی دیگر مانند عمر هنتانی و یوسف بن سلیمان مقام والی (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۵۷) و عده‌ای پست فرماندهی نظامی را اشغال کردند (ابن صاحب اصلا، ۱۹۸۷: ۱۸۲). در گام بعدی فرزندان خود را نزد آنها فرستاد که به آنها تعلیم و تربیت داده تا در بهترین شرایط علمی، حکمت و سیاست قرار گرفته و برای آینده آماده شوند (نوبری، [بی‌تا]: ۱۳۹)

عبدالمومن سپس در سال ۵۵۱هـ/ ۱۱۵۷ دستور داد برای پسرش «محمد» به عنوان ولیعهد، بیعت کنند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۶۲) ابتدا می‌بایست شرایط را مساعد کند زیرا قبل از آن با عمر هنتانی برای خلافت توافقاتی صورت گرفته بود. براین اساس، بزرگان عرب بنی‌هلال و عبدی را گرد آورد (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۱/۲۱۱) یعنی این کار به درخواست قبایل عرب شرقی و صنهاجی و با تأیید همه قبایل موحدی انجام شد. چنین وانمود کرد که به اصرار این افراد بیعت صورت گیرد زیرا مسمودیها تمایلی به فرزند عبدالمومن نداشتند (حسن، ۱۹۸۰: ۸۷) ابوحفص عمر هنتانی وقتی خود را در عمل انجام شده دید، چاره‌ای نداشت که کنار بکشد و در خلافت با پسر عبدالمومن بیعت کند (ابن عذاری مراکشی، ۱۹۸۵: ۴۹) اینگونه بود که خلیفه امارت سرزمین موحدون را به نزدیکان و فرزندان خود سپرد (بیزق، ۱۹۸۰: ۱۱۶): فرزندش محمد بن عبدالله در بجایه و اطراف آن، فرزند دیگرش اباحفص عمر بر تلمسان، اباحسن علی بر فاس و اطراف آن، اباسعید بر سبتة و جزیره خضراء و مالقه (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۱/۲۱۱) امورات تادله را به اباربیع، سوس را به ابی زید لمطیه واگذار کرد و به همراه آنها طلبه‌ها را به عنوان وزیر و مشاوره در امور و راهنمایی قرار داد. بنابراین او با استمداد از طلبه‌ها و قبایل آنها، هم توطئه احتمالی آنها را خنثی ساخت و هم از تجربیات آنها برای خود و فرزندانش کمک گرفت (غنائی، ۲۰۰۸: ۶۷-۶۸) آنچه می‌توان نتیجه گرفت این است که عبدالمومن از نفرت و کینه‌ای که برخی نسبت به او داشتند و توطئه

آنها برای از بین بردن او آگاهی داشت. تنها کاری که باید انجام می‌داد این بود که نظام را از شورا به وراثت تغییر دهد تا جان خود و فرزندانش حفظ شود. او شرایطی برای خلیفه بعد از خود وضع کرد: اینکه باید از خانواده عبدالمومن باشد، همچنین اعتقاد به مهدی ابن تومرت را اعلام نماید، دارای شایستگی و کفایت باشد. مسئله‌ای که باعث شد فرزندش محمد را در سال ۵۵۸هـ / ۱۱۶۴م به سبب بی‌کفایتی و عدول شرایط از ولیعهدی خلع کند (ابن صاحب الصلاه، ۱۹۸۷: ۲۱۷؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۱۱ / ۲۹۱؛ ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۳۲) بدین ترتیب، دولتی که در آغاز کارش براساس اندیشه دینی استوار بود و اصل شورا را وسیله‌ای برای تعیین حاکم آن قرار داده بود، به یک حکومت موروثی بدل شد اما اندیشه مهدویت را به عنوان شعار خود همچنان حفظ کرد (عمر موسی، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

ب) ساماندهی تشکیلات و نیروهای اداری

عبدالمومن، خلیفه موحدون، در دوران خلافت خود نه علاقه زیادی به جنگ و خونریزی داشت، و نه به دنبال آن بود که سرزمین خود را به هر قیمتی توسعه دهد، بلکه او در ساماندهی و ساختار تشکیلات ایالتها اهتمام ویژه‌ای به خرج داد. او نسلی از طلبه‌ها، قضات، و کارگزاران پرورش داد که از مقربین و معتمدین بودند. این گروه به اصول فقه و توحید آشنایی پیدا کرده و آنچنان تربیت شدند که مرکز ثقل و ستون دولت در حوزه‌های مختلف به حساب آمدند (صادق شاکر، ۲۰۰۹: ۲۶) عبدالمومن، قبل از حمله به اندلس، متوجه شد که سازمان و ساختارهای دولت جدید باید متحول و مستحکم شود. در ابتدا آنچه که باعث خشم مردم و نارضایتی از مرابطون شده بود را شناسایی و از میان برداشت؛ بر این اساس هرگونه علم و دانش، آزاد و بدون محدودیت در کنار دین اعلام کرد. در مراکش تعدادی مسجد و مدرسه مجلل تأسیس که به مراکز علم و دانش تبدیل شد (Fromherz: 127: 2010) در آن میان، علوم و دانشی بیشتر مورد توجه قرار گرفت که در اختیار دولت و حکومت باشد و بتواند نیروهای نظامی و آموزش فنون جنگی را تعلیم دهد. عبدالمومن به خوبی می‌دانست، توقف دانش و نظام آموزشی، منجر به تضعیف اراده و قدرت دولت موحدون خواهد شد (شباخ، ۱۹۵۶: ۳۰۲) علاوه بر توانایی عبدالمومن در سازماندهی ارتش خود به شیوه‌ای بسیار سازمان یافته که شامل تمام قابلیت‌های نظامی و فنی زمان خود می‌شد، او توانست همه نیازهای ارتش نوین و همچنین بهترین اسلحه‌ها و اسب‌ها را در اختیار آن قرار دهد و سپس نظام آموزش را پایه ریزی کرد تا قوی‌ترین باقی بماند. او امنیت را در سرزمین موحدون برقرار کرد و سپس حدود مرزها را مشخص ساخته و جهت تنظیم امور مالیات و برنامه ریزی منابع مالی، کنترل کامل بر سرزمین ایجاد نمود. او به رسیدگی شکایات نیز توجه بسیاری داشت و اغلب برای اعاده حیثیت خود می‌نشست و به شکایات گوش فرا می‌داد. عبدالمومن بن علی را باید واضع قوانین و تنظیم کننده امورات اداری موحدون به شمار آورد (صادق شاکر، ۲۰۰۹: ۲۶) این امر از دستوری که او در سال ۵۴۳هـ / ۱۱۴۱م برای

طلبه‌ها و مشایخ و بزرگان اندلس فرستاد، کاملاً مشخص است: آنچه در آن ذکر شد این است که امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از مسکرات و شراب رعایت گردد. کسانی که ظلم می‌کنند و پول و مقدسات مسلمانان را می‌گیرند و باعث کشته شدن آنها می‌شوند باید مجازات شوند. برای جلوگیری از اشتباه و خطا، قوانینی وضع شود و همه باید آن را رعایت کنند. مشایخ و طلبه‌ها قوانین را اجرا و همه را دعوت به آن کنند (عنان، ۱۳۶۶: ۳/ ۳۹۹-۴۰۲) عبدالمومن مدرسه‌ای را برای تحصیل سیاستمداران، کارمندان دولت و رهبران ارتش تأسیس کرد و حدود سه هزار محصل در آنجا مشغول به تحصیل شدند. در آنجا علاوه بر دانش نظامی، حفظ قرآن و اندیشه‌های مهدی ابن تومرت همچنین قوانین اداری و سازمانی نیز آموزش داده می‌شد (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۱۰۱) عبدالمومن سپس آنها را بعد از نماز روز جمعه در دارالحکومه جمع می‌کرد و در خصوص درس‌ها از آنها سوال می‌پرسید و قدرت پاسخگویی و تلاش را به آنها یاد می‌داد. او از پیشرفت آنها در هنرهای جنگی آگاه می‌شد مخصوصاً هنر مبارزه بر روی اسب، هنر شنا و نبردهای دریایی و افراد با استعداد را شناسایی و تقدیر می‌کرد. در این زمینه در شهر رباط مدرسه‌ای برای تربیت فرماندهان ناوگان دریایی بنان نهاد (منونی، ۱۹۷۷: ۲۱) در میان این محصلان، سیزده نفر از فرزندان عبدالمومن حضور داشتند که با موفقیت این دوره‌ها را گذراندند (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۱۱۴) عبدالمومن صاحب منصبان لشکری و کشوری را از میان این محصلان انتخاب کرد که مورد وثوق هم بودند. با این کار، وی توانست در حدود بیست سال، نظام نوین برای دولت ایجاد کند و نظام سیاسی موحدون تثبیت گشت.

۳. دستاوردهای نظام جدید موحدون

الف) اقتصاد

امتیاز جغرافیایی اصلی مغرب اقصی که هویت خاص خودش را بدان می‌دهد، واقع شدنش در ساحل اقیانوس اطلس است. همچنین عبور سلسله جبال مرتفع اطلس از مناطق مختلف مغرب اقصی، که دارای رودهای پر آب و اغلب دائمی در این منطقه است، از دیرباز توجه مردم را به کشاورزی و دامپروری، بسان منبع مهمی جهت کسب درآمد و اشتغال جلب کرده بود. به دنبال سیاستها و اقدامات عبدالمومن بن علی، رونق اقتصادی به وجود آمد؛ کشاورزی گسترش یافت، تجارت رواج یافت و صنعت پایه ریزی گشت. بودجه دولتی موحدون در زمان او فزونی یافت (سفیر، [بی‌تا] ۳۳۲) مجموعه عواملی که باعث رونق اقتصادی شد می‌توان اشاره کرد:

گسترش صلح و امنیت در سراسر سرزمین موحدون، برخورد شدید با راهزنان (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۵۲) جلوگیری از تخریب و غارت شهرها، تقسیم غنائیم جنگی بین همه جنگاوران و اختصاص سهمی نیز به دولت،

ساماندهی امور مالیاتی (سفیر، [بی تا] ۳۳۲) بود. به عنوان نمونه آنچه عبدالمومن در سال ۵۵۴هـ / ۱۱۶۰م برای منطقه افریقیه اتخاذ کرد، یک سوم آنها را تخفیف داد و مابقی را خراج گرفت (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۸۹) یکسان سازی پول؛ عبدالمومن دستور داد تمامی سکه های مرابطی، زیری و حمادی جمع آوری گردد و معاملات تنها با سکه موحدی که به شکل مربع و معروف به درهم موحدی شد، مبادله گردد (بوریه، ۱۹۸۴: ۳۳۴) نامه ای از عبدالمومن بن علی به سال ۵۴۷هـ / ۱۱۵۳م است که در آن مالیاتهای غیر شرعی مانند مکوس، قبالات و مغارم، حرام و گناه شمرده شد و والیانی که آنها را اخذ می کردند، از اشقیا قلمداد شده اند (شهیدی پاک: ۱۳۸۹: ۴۳۰) زندگی ساده خلیفه؛ به طوری که او زندگی ای ساده و فروتنانه، به دور از انواع تجملات و لذتها برای فرزندان نیز لباس و غذای ساده تهیه می کرد (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۱۷۲) در دوره عبدالمومن به سبب توجه وی به حوزه های اقتصادی، رونق چشمگیری در صنایع به دلیل ثبات و فراوانی مواد اولیه، کیفیت و مهارت نیروی کار نیز شاهد هستیم. این امر یک جنبش جدیدی را ایجاد کرد که مایحتاج و نیازهای مردم را برآورده می کرد (حسن، ۱۹۸۰: ۲۰۱-۲۰۳) عبدالمومن به دلیل مواد معدنی مختلفی که در سرزمین او وجود داشت، این صنعت را ترویج و از آن مراقبت کرد و جهت استخراج و بهره برداری معادن را به متخصصان واگذار کرد (علام، ۲۰۰۷: ۲۵۵) به عنوان نمونه از معادن مس منطقه سوس برای کشور سودان، تهیه و معدن نمک نیز که مانند سایر مواد معدنی استخراج می شد (استبصار، ۱۹۸۵: ۲۱۳) همچنین یک مرکز تولیدی برای ساختن قایق ها و کشتی های کوچک در محلی در نزدیکی فاس وجود داشت و صنعتگران از تمامی نقاط به آنجا می آمدند (جزنائی، ۱۹۹۱: ۳۷) همچنین می بینیم که یکی از برجسته ترین صنایع که در زمان حکومت عبدالمومن در مراکش روی داد، صنعت نساجی است که شهر سوس به خاطر آن مشهور بود. همچنین شهرت فاس در ساختن کاغذ مراکشی مشهور بود که با سفیدی و کیفیت خالص خود متمایز می شد (ابومصطفی، ۱۹۶۹: ۶۷-۶۸) در اندلس، جیوه، آهن، سرب، پشم، رنگ و کتان یافت می شد (ابن حوقل، ۱۹۹۲: ۱۰۹) در این دوره کشتی سازی نیز گسترش یافت (منونی، ۱۹۷۷: ۱۶۱ و ۲۵۷)

ب: تجارت

به دنبال سیاستهای موحدون در رونق یافتن امورات کشاورزی و صنعتی، مخصوصا در حوزه منسوجات، شکر و روغن، ابزارآلات کشاورزی و غیره، شاهد نهضت بزرگ تجاری در سطح داخلی و تعاملات پایدار بازرگانی در امورات خارجی هستیم (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۵۳) در خصوص قطعات اسلحه و صنعت ادوات جنگی می توان به کارخانه هایی اشاره کرد که در نقاط مختلف ایجاد شده بود؛ چهارصد قطعه در حلق معموره، صدو بیست قطعه در بندر هنین، صد قطعه در اندلس و هر روز بر آنها افزوده می شد (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۲۰۱) در قرطبه نیز کارخانه های چرم وجود داشت (اشباخ، ۱۹۵۸: ۴۹۵) علاقه عبدالمومن به صنعتگران برای آماده کردن قرآنی

که در قرطبه بود مشخص گشت؛ او کل صنعتگران ماهر مغرب و اندلس را در سال ۵۵۲هـ/ ۱۱۵۸م جمع کرد. در لیستی که سلاوی آورده است بیانگر حضور همه صنعتگران، هنرمندان و متخصصان در دوره عبدالمومن است (ناصری سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۱۴) آنچنانکه منابع کشاورزی و صنایع در دولت موحدون به طور گسترده در دسترس بود، باعث رونق و شکوفایی تجارت گشت. عبدالمومن توجه زیادی به تجارت داخلی داشت، با توجه به تجارت داخلی و تسهیل خرید و فروش در بین ساکنان مناطق خود، سکه موحدی ضرب کرد، بر مالیاتها و عوارض نظارت داشت و همچنین برای کنترل بازارها و جلوگیری از فروش کالاهای قاچاق سختگیری بسیاری به خرج داد (بن قریه، ۲۰۰۷: ۸۴) در مورد تجارت خارجی، در این دوره شاهد رونق بین مغرب و شرق هستیم. اسکندریه و تونس دو مرکز مهم تجارت بودند. موقعیت اسکندریه در دریای مدیترانه به ارتباط بین دره نیل و بیابانهای مراکش کمک کرد. چنانکه جاده قدیمی بین مغرب اقصی از سجلماسه به فاس سپس از مسیر آفریقا به تونس و سپس طرابلس می گذشت (خلف الله، ۱۹۸۵: ۳۲۷) و تجارت بین مراکش و کشور سودان و غنا، و راه اصلی تجارت طلا جاده سودان غربی از طریق مراکز تجاری مانند تیمبوکتو^۱ به شمال سنگال و نیجر و سپس غرب مراکش بود (همان، ۲۸۴) جنبش تجاری با کشورهای اروپایی، به ویژه با شهر ونیز، ماری و جنوا نیز فعال بود. بنادر نقش برجسته‌ای در فعال سازی مبادلات تجاری ایفا کرده اند، مانند بندر سبت مشرف به دریای مدیترانه و بندر طنجه، بندر سلا که قبل از این کشتی‌های اندلس را پذیرایی می کرد. همچنین شهر بندری فضاله و انفا و اسفی که از معروفترین بندرگاههای اندلس بودند (معروفی، ۱۹۸۷: ۱ / ۶۲)

ج: تحولات مالی

عبدالمومن توجه زیادی به مقررات مالی در سراسر سرزمین موحدون داشت و در سال ۵۵۵هـ/ ۱۱۶۱م دستور داد تمامی زمینهای مغرب از شرق برقه تا سرزمین سوس در مغرب دور، مساحت کنند (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۲۹) و یک سوم آن را در نظر نگرفت، زیرا شامل کوه ها، جاده ها و جنگل ها می شد، و بر بقیه زمینها خراج اعمال کرد (ناصری سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۵۶) همچنین بر خرید و فروش و صادرات و واردات مالیات وضع کرد (بن قریه، ۲۰۰۷: ۱۴۷) او اولین بار قوانین مالی در مغرب اجرا نمود (ناصری سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۵۶) براین مبنا قبایلی که درآمد محصولات کشاورزی و یا باغهای میوه داشتند، خراج خود را به نسبت پردازند (ابن ابی دینار، ۱۲۸۶: ۱۲۹) عبدالمومن سعی نمود هم اهداف جنبش حفظ شود و هم به سازوکار مالی، سامان دهد؛ این امر از نامه‌ای که به سال ۵۴۳هـ/ ۱۱۴۸م به ایالت‌ها فرستاد مشهود است: در شرح سیاست خود نوشت که از اهداف اصلی دعوت موحدين رفع ظلم از مردم است و هشدار داد که جرایم و مالیاتها و عوارض را بر مردم

^۱. Timbuktu

تحمیل نکنند و از ضبط کشتی‌ها در بنادر خودداری نمایند و برای متخلفین مجازات در نظر گرفته خواهد شد (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۲۴۶-۲۴۷) بدین منظور جهت ساماندهی امورات مالی، دیوانهایی به آن اختصاص یافت: دیوان غنایم و هزینه سربازان، دیوان مالیات، دیوان زکات، خراج و دیوان کنترل صادرات و واردات، و همچنین با گسترش سرزمین موحدون دیوانی جدید به نام «تمیز» اضافه شد که مخصوص داوطلبان حمله‌های نظامی بود تا نامشان ثبت شود و در صورت ضرورت به آنها پاداش داده شود. با وجود دفترهای دیوان مالی در پایتخت، گاهی اوقات در هر منطقه نیز تدابیر ویژه مالی در نظر گرفته می‌شد (حسن، ۱۹۸۰: ۱۸۵-۱۸۶) در این دیوانها؛ وزرا و منشیان به مسائل مالی مشغول بودند و متولیان که در جمع آوری وجوه تخصص دارند به آنها کمک می‌کردند (همان، ۱۸۷) در مورد منابع درآمدی، در ابتدا، آنها محدود به زکات و خمس غنایم جنگی بود. عبدالمومن در ابتدا تاکید زیادی در جمع آوری این اموال شرعی داشت اما پس از گسترش سرزمین و اقتدار حکومت، سختگیری زیادی در وجوه شرعی به خرج نداد و بیشتر به خراج پرداخت (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۲۵۱) و آنها یکبه خیانتشان به دولت ثابت می‌شد، نیز متحمل مالیاتی می‌شدند (علام، ۲۰۰۷: ۲۶۵-۲۶۷) برای جلوگیری از جعل و قش در سکه، نیز عبدالمومن تدابیری اندیشیده بود که با نشانه‌ها و علاماتی مشخص می‌شد. سکه‌های طلا و نقره به نام دینار و درهم مومنی، با عبارتی در وسط به صورت مربع شکل ضرب شد (اشباخ، ۱۹۵۸: ۱۹۷؛ بن قربه، ۲۰۰۷: ۱۴۹)

د) اقدامات فرهنگی و عمرانی

در زمان موحدون و به دنبال تلاشهای عبدالمومن، مراکش دومین پایتخت علمی بود تا جایی که بسیاری این شهر را بغداد مغرب می‌نامیدند و همچنین شهرهای سبته و طنجه نیز در این زمره بودند (منونی، ۱۹۷۷: ۹۹). عبدالمومن ماهانه دو یا سه بار برای همدردی بیرون می‌رفت و به مردم نیازمند کمک می‌کرد (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۱۷۱-۱۷۲) او به دانشمندان و هنرمندان علاقه خاصی داشت (آیتی، ۱۳۷۶: ۱۶۸) و از آنها قدردانی و برای آنها هزینه ثابت مشخص کرده بود (ابن خطیب، ۱۹۷۷: ۱۱۴) همچنین آنها را در کنار خود نگه می‌داشت و هدایا و معیشت زیادی به آنها می‌داد. بسیاری از آنها همچنین در دستگاههای اداری و سیاسی دولتهای قبلی مشغول به کار بوده و توسط عبدالمومن فراخوانده شده بودند (عنان، ۱۳۶۶: ۳/۴۰۳) عبدالمومن علومی را که در دوره مرابطون رواج آنها ممنوع بود، ترویج داد و مبالغ بسیاری برای اشاعه علوم و معارف صرف کرد، او ضمن اهتمام به ساختن مراکز دینی، در برگزاری مناظرات و مجامع علمی اهتمام ویژه‌ای داشته و کتابخانه‌هایی بنا نهاد و مردم را به تعلیم دعوت کرد. موحدون طرفدار نشر علم و معارف به زبان عربی بودند (منونی، ۱۹۷۷: ۱۶) عبدالمومن بعد از فتح مراکش قبایل موحدون را به آن شهر فراخواند و برآنان در امر علم توحید و انجام دادن فرائض دینی سخت‌گیری می‌کرد (برونسال، ۱۹۴۱: ۵۴) وی این روش تربیتی را بر تمام رعیت تعمیم داد و عموم مردم را به حفظ سوره فاتحه و تعدادی از سوره‌های

قرآن و خواندن اعتقادات اساسی و حفظ و درک آن تکلیف می‌کرد. عبدالمومن بر این امر تأکید داشت و بر هر زن و مرد و آزاد و بنده‌ای لازم و ضروری می‌دانست. وی بر عوام تأکید داشت که در حفظ قرآن و خواندن آنچه در توانشان است مداومت نمایند و به نمایندگان خود الزام می‌کرد علمایی از طرف خود به میام مردم برای امر تبلیغ و آموزش بفرستند (همان، ۱۳۱-۱۳۳، ۱۳۷).

حکومت موحدون مخصوصاً در دوره نظام شاهد جنبش عمرانی بسیار گسترده‌ای بوده است و این یکی از ویژگی‌های دوره شکوفایی این حکومت به حساب می‌آید. اگرچه بسیاری از تاسیسات با هدف نظامی ساخته شد، از جمله پل‌ها، دژها، شهرها و قلعه‌ها با این وجود در بحث آبادانی و نوسازی نیز اقدامات زیادی صورت گرفت. شاید برجسته‌ترین نشانه‌های توسعه عمرانی در این دوران در عملیات آبرسانی به شهرها، تاسیسات و یا مزارع متجلی شده بود و همچنین در هنرهای زیبا، مانند کارهای تزئینی و کاشی کاری «فسیفساء»^۱ و ساختن استحکامات و چراغهای دریایی جلوه‌گر بود (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۵۳). ساختن مراکز درمانی، توجه به فقرا، نابینایان، جذامیان، توجه به همه مردم در ایام قحطی و گرسنگی و اهمیت دادن بازارها از دیگر فعالیت‌های عام المنفعه در دوره موحدون بوده است. عبدالمومن توجه خاصی به معماری و بنا داشت (سالم: ۱۹۹۹: ۷۴۹) به دنبال آن مدارس و مراکز علمی بسیاری در فاس، سبتة، سلا، طنجه و مغرب اقصی، اندلس و شهرهای دیگر گسترش یافت (بن قریه، ۲۰۰۷: ۸۵) عبدالمومن دستور داد دیوار تکرارت در تلمسان ساخته شود (سالم: ۱۹۹۹: ۷۵۰) و مساجد جامع بسیاری در مغرب تاسیس گشت که علما در آن جمع شده و به تعلیم و تربیت پرداختند (بن قریه، ۲۰۰۷: ۹۲) در مراکش نیز مدارس جهت آموزش کارمندان و خانواده خلیفه دولت موحدی تاسیس گشت (عمرموسی، ۱۳۸۱: ۸۷) در کنار مدارس از کتابخانه‌ها، مساجد، زوایا و رباط در امر آموزش استفاده می‌شد. (بن قریه، ۲۰۰۷: ۹۶) عبدالمومن در سال ۵۳۸هـ/ ۱۱۴۱م شهر تازارا را در گردنه‌ای که با نام آن شناخته شد، تأسیس کرد که فاس را با مغرب شرقی پیوند می‌داد. (حرکات، ۲۰۰۰: ۳۴۰) و در آنجا کوه‌های سربه فک کشیده با درختان انجیر، عناب و میوه‌های فراوان وجود داشت (استبصار، ۱۹۸۵: ۱۸۷) در سال ۵۵۰هـ/ ۱۱۵۶م عبدالمومن دستور به تعمیر مساجد و بناهای مملکت داد (ناصری سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۲۶) او در سال ۵۴۸هـ/ ۱۱۵۴م مسجد تینمل را ساخت و نام آن را مهدی بن تومرت گذاشت، با طول ۴۶ متر و عرض ۴۹ از بزرگترین مساجد مغرب محسوب می‌شود (حرکات، ۲۰۰۰: ۳۴۶) مسجد جامع اشبیلیه یکی از مراکز مذهبی دوره موحدون است که اهمیت هنری دارد (Dodds, 1992: 82) با توجه به اهمیتی که عبدالمومن به مهندسی و استحکام بناها می‌داد، در این دوره معماران معروفی ظهور کردند از جمله آنها، مهندس الحاج یعیش بوده که برای عبدالمومن کابینی براساس حرکات هندسی ساخت که برای خروج او بالا می‌رفت و برای ورود او پایین می‌آمد (بن عبدالله، ۱۹۸۰: ۵۰)

^۱. فسیفساء. قطعات کوچک از رخام و جز آن که به یکدیگر ترکیب شوند و محوطه خانه‌ها را از درون زینت دهند و گویند اصل لغت رومی است.

و مهندس احمد بن باصو که برای موحدون بسیاری تأسیسات و بناها در اشبیلیه، جبل طارق، قرطبه و مسجدجامع اشبیلیه و قصر موحدون را ساخت (Dodds, 1992: 167) در دوره موحدون و عبدالمومن، بازسازی و تعمیرات بناهای تونس مورد توجه قرار گرفت از آن جهت که به عنوان پایتخت شرقی حکومت شناخته می شد (ابن مامی، ۱۹۹۸: ۲۷۷-۲۹۲) در سال ۵۵۵هـ/ ۱۱۶۱م عبدالمومن دستور داد در دامنه جبل الطارق که به نام «جبل الفتح» برآن نهاد شده (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۱۹)، دژی و شهری بسازند (آیتی، ۱۳۷۶: ۱۶۸) سازنده این دژ و شهر شخصی به نام حاج یعیش معمار بود و سید ابوسعید عثمان بر کار ساختن نظارت داشت. قسمتی از این بنا هنوز هم در جبل الطارق باقی است و به نام الحصن العربی (El Castillo Arabe) معروف می باشد (مونس، ۱۳۸۴: ۲/ ۳۲۳) قصر عبدالمومن در اندلس نیز از بناهای باشکوه دوره موحدی محسوب می شود (منونی، ۱۹۷۷: ۲۴۶).

نتیجه گیری:

اگر دوره موحدون را به دو دوره نهضت و نظام تقسیم کنیم، بدون شک، پایه گذار نظام سیاسی موحدون عبدالمومن بن علی بود و با اقدامات او، عصر نوین موحدی رقم خورد. دوره نهضت که از ملاله و هسته اولیه جنبش موحدون شکل گرفت، شامل تلاشهای ابن تومرت برای ساماندهی جنبش، ادعای مهدویت، مبارزه با مرابطون و همراهی قبایل مختلف بربر محسوب گشت که تا روی کار آمدن عبدالمومن ادامه یافت. جنبش موحدون پس از ابن تومرت همانند نهالی نوپا ضرورت داشت که تبدیل به درختی تنومند شود و این دگردیسی ساختار جنبش موحدون به نظام حکومتی، بزرگترین و مهمترین اقدامی است که عبدالمومن موفق به انجام آن شد. عبدالمومن بن علی را باید یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار مغرب اسلامی و اندلس به شمار آورد. دوران حکومت او سرآغاز درخشانترین عصر تاریخ مغرب در سده های میانه به شمار می آید. عبدالمومن قدرت نظامی و سیاسی سترگی را که از محمد بن تومرت به ارث برده بود، متحول کرد و دامنه های سرزمین را از اندلس تا وادی درعه در جنوب مغرب و اقیانوس اطلس تا حوزه های طرابلس و مدیترانه گستراند. او برای اداره این سرزمین با مدیریت و ساماندهی تشکیلات اداری و دیوانی، توجه به صنعت و نوآوری در امورات نظامی و حمایت سازه های عمرانی، فعالیت بسیار و هوش فوق العاده ای از خود نشان داد. بدون شک او یکی از خلفای بزرگ جهان اسلام به شمار می آید؛ مردی خردمند، آرام، دوراندیش و با وسعت نظر بود و وارث جنبشی ابن تومرت شد و آن را مبدل به نظام سیاسی و حکومت ساخت که قلمرو آن به مرزهای شرق و غرب گسترانیده شد و برای این نظام سیاسی نیز سازمان اداری و قوانین نوینی وضع کرد که همین امر به او امکان داد تا این ملک پهناور را به خوبی اداره کند.

منابع:

١. آیتی، محمدابراهیم (١٣٧٦) اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، تهران: دانشگاه تهران.
٢. ابن ابی دینار، ابوعبدالله محمد (١٢٨٦) المونس فی اخبار افریقیه و تونس، تونس: مطبعة الدولة التونسية.
٣. ابن ابی زرع فاسی، ابوالحسن علی بن عبدالله (١٤٢٠ق / ١٩٩٩ م). الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط: المطبعة الملكية.
٤. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد (١٩٦٥م). الكامل فی التاريخ، ج ١٠ و ١١، بیروت: دار الصادر و دار البیروت.
٥. ابن تومرت، محمد بن عبدالله (١٩٩٧م). اعز ما یطلب، تقدیم و تحقیق: عبدالغنی ابوالعزم، رباط: موسسه الغنی للنشر.
٦. ابن حوقل، ابوالقاسم (١٩٩٢) صوره الارض، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه.
٧. ابن خطیب غرناطی، لسان الدین ابوعبدالله محمد (١٩٧٧). الاحاطه فی اخبار غرناطه، تحقیق محمدعبدالله عنان، قاهره: بی.نا.
٨. ابن خلدون، عبدالرحمن (١٩٥٦-١٩٥٩م). العبر و دیوان المبتداء و الخبر، ج ٦، بیروت: دارالکتب البنانی.
٩. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین [بی.تا] وفيات الاعیان و انباء ابناء اهل الزمان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دارصادر.
١٠. ابن صاحب الصلاه، عبدالملک (١٩٨٧)، المن بالامامه، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
١١. ابن عذارى المراكشی، ابوالعباس احمد (١٩٨٥)، البیان المغرب فی اختصار اخبار ملوک الاندلس و المغرب: القسم الموحدی، تحقیق مجموعه من الأستاذة، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
١٢. ابن قطان مراکشى، علی بن محمد (١٩٩٠م). نظم الجمان لترتیب ماسلف من اخبار الزمان، تحقیق، محمود علی مکی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
١٣. ابن مامی، محمدالباجی (١٤١٨هـ / ١٩٩٨م) «لمحه تاریخیه حول مدینه تونس» مجله التاريخ العربی، ع ٥، جمعیه المورخین المغاربه، ٢٧٧-٢٩٢.
١٤. ابومصطفی، کمال سید (١٩٩٦) جوانب من الحیاه الاجتماعیه و الاقتصادیه و الدینیة و العلمیه فی المغرب الاسلامی من خلال نوازل و فتاوی الونشریسی، الاسکندریه: مرکز الاسکندریه للكتاب.
١٥. الاستبصار فی عجائب الامصار (١٩٨٥م). تحقیق سعد زغلول عبد الحمید، مغرب: الدار البيضاء.
١٦. اشباخ، یوسف (١٩٥٨) تاریخ الاندلس فی عهد المرابطین و الموحیدین، ترجمه محمدعبدالله عنان، قاهره.
١٧. بروفنسال، لیفی [بی.تا]، الاسلام فی المغرب و الاندلس، ترجمه عبدالعزیز سالم، مصر: مطبعة نهضة مصر.
١٨. بروفنسال، لوبی (١٩٤١) مطبوعات معهد العلوم العلیا المغربیه، الجزء العاشر، مجموع رسائل موحديه من انشاء کتاب الدولة المومنیة، رباط: المطبعة الاقتصادية لصاحبها مصطفى بن عبدالله.
١٩. بن قریه، صالح (٢٠٠٧) عبدالمومن بن علی موحد بلاد المغرب، الجزائر: عاصمه الثقافه العربیه.

۲۰. بنعبدالله، عبدالعزيز (۱۹۸۰) «التراث العربيه و عناصر الصالحه لنهضه عربيه حديثه»، مجله دارسات تاريخيه، السنه الاولى، العدد الثالث، كانون الاول، ديسمبر، ۱۹۸۰، ۳۹-۶۴.
۲۱. بهنام فر، محمدحسن (۱۳۹۵) «مبانی مهدویت ابن تومرت در مغرب اسلامی؛ ریشه‌ها و زمینه‌ها»، فصل نامه پژوهش‌های مهدوی، قم، ۱۳۹۵، شماره ۱۶.
۲۲. بورویه، رشید (۱۹۸۴) الجزائر فی تاریخ عهد الاسلامی من الفتح الی بدایه العهد العثماني، الجزائر: الموسسه الوطنيه للكتاب.
۲۳. بیذق، ابی بکر صنهاجی (۱۹۸۰م). اخبار المهدی بن تومرت و بدایه دوله الموحدین، تحقیق: لویی پرونسال، پاریس.
۲۴. جزنائی، علی (۱۹۹۱) جنی زهره الآس فی بناء مدینه فاس، تحقیق، عبد الوهاب ابن منصور، رباط: مکتبه الملكيه.
۲۵. حرکات، ابراهیم (۲۰۰۰) المغرب عبر التاريخ، دار الرشاد الحديثه، الدار البيضاء.
۲۶. حسن، حسن علی (۱۹۸۰)، الحضاره الاسلاميه فی المغرب و الاندلس فی عصر المرابطين و الموحدین، مصر: مکتبه الخانجی.
۲۷. الحلال الموشیه فی ذکر الأخبار المراكشیه (۱۹۷۹م). تحقیق سهیل زکار، مغرب: الدار البيضاء.
۲۸. خلف الله، ابتسام مرعی (۱۹۸۵) العلاقات بین الخلافه الموحديه و المشرق الاسلامی، دارالمعارف.
۲۹. سالم: عبدالعزيز (۱۹۹۹) تاریخ مغرب فی العصر الاسلامی، اسکندریه: موسسه شباب الجامعه للمطبعه و النشر و التوزيع.
۳۰. سفیر، لخضر [بی‌تا] التاريخ السياسی لدول المغرب الاسلامی، الامل للدراسات.
۳۱. شهیدی پاک، محمدرضا (۱۳۸۹)، تاریخ تحلیلی مغرب، قم: جامعه المصطفی.
۳۲. صادق شاکر، محمود (۲۰۰۹) «الفکر السياسی عندالموحدین فی عصر عبدالمومن بن علی»، مجله القادسیه للعلوم الانسانیه، المجلد الثاني عشر، العدد ۳، ۱۱-۴۲.
۳۳. علام، عبدالله (۲۰۰۷) الدوله الموحديه بالمغرب فی عهد عبدالمومن بن علی، الجزائر: مکتبه الوطنيه، عاصمه الثقافه العربيه.
۳۴. عمر موسی، عز الدین (۱۳۸۱)، دولت موحدون در غرب جهان اسلام؛ تشکیلات و سازمانها، مترجم: صادق خورش، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. عنان، محمدعبدالله (۱۳۶۶) تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات کیهان.
۳۶. غنای، عقيله مراجع (۲۰۰۸). قیام دوله الموحدین، بنگازی: منشورات جامعه قاریونس.
۳۷. مراکش، عبدالواحد (۱۳۹۰). المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، ترجمه: محمد رضا شهیدی پاک، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳۸. معروفی، هاشم (۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م)، عبیر الزهور، دارالبیضاء.
۳۹. منونی، محمد (۱۳۹۷ هـ / ۱۹۷۷ م)، العلوم و الآداب و الفنون على عهد الموحدين، الرباط: دار المغرب للتأليف و الترجمة.
۴۰. مونس، حسین (۱۳۸۴). تاریخ و تمدن مغرب، ترجمه: حمیدرضا شیخی، ج ۲، تهران: سمت.
۴۱. ناصری السلاوی، شهاب الدین احمد بن خالد (۱۹۵۴ م). الاستقصاء لخبار دول المغرب الاقصى، به کوشش جعفر الناصری، جلد دوم، دارالکتاب، داربیضاء.
۴۲. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۸)، مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۳. نویری، احمد بن عبدالوهاب [بی تا] نهایه العرب فی فنون الادب. تحقیق عبدالمجید التروجینی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
44. Bourabia, Rachid (1974), "De taut temps L' orient a exerce sur les Maghribins épris de culture unirresistible attriat. Ibn Tumert avide de science, ne pouvait faire exception à larègle, d' autant quà son epoque, L'orient était le siège d'une vie intellect - uelleintense", Rachid Baurabia, Ibn Tumart, Alger: S.N.E.D.
45. Dodds, Jerrilynn D (1992) the Art of Islamic Spain, the Metropolitan Museum Of Art, New York.
46. Ed: Rogerle tourneau, tran: John petrie, London, Routledge and keaganpaul.
47. Fierro, Maribel (2003), Las genealogías de Abd al-Mu'min, primer califa almohade, Al-qantara: Revista de estudios árabes, Vol. 24, Fasc. 1, 2003, págs. 77-107
48. Fromherz, Allen J (2010). *The Almohads the Rise of an Islamic Empire*, London: I.B. Tauris.
49. Julien, Charles Andre (1970), History of North Africa, Tunisia, Algeria, Moraco.
50. Le Tourneau, Rager (1969) The Almohad Movement in North Africa in the Twelfth and Thirteenth Centuries, Princeton, N.J. Princeton uniuersity press. P.G.
51. Le Tourneau, Rager (1977) "North Africa in sixteenth century", the cambridge History of Islam. 2. vol, Ed. Holt. Lambton, and Lewis, cambridge, The university of cambridge press, p 211-238.
52. Pascal Buresi and Hicham El Aallaoui (2012). *Governing the Empire: Provincial Administration in the Almohad Caliphate (1224-1269)*, brill.